

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیستم، شماره هفتادوهشتم

تابستان ۱۳۹۸

**بازشناسی تاریخ آغاز پرداخت و دریافت خمس؛
بررسی انتقادی دیدگاه بازتاب یافته در کتاب «مکتب در فرآیند تکامل»**

تاریخ دریافت: ۹۶/۴/۲۸

تاریخ تأیید: ۹۸/۵/۲۵

جواد سلیمانی امیری^۱

پرداخت خمس غنایم جنگی و دیگر درآمدها از واجباتی است که در قرآن مجید به آن تصریح شده است. بیشتر علمای شیعه بر این باور هستند که مطالبه و دریافت خمس از سوی اهل بیت علیهم السلام و پرداخت آن از سوی شیعیان از صدر اسلام آغاز شده بود، اما نویسنده کتاب «مکتب در فرآیند تکامل» بر این باور است که این امر به عنوان یک واجب شرعی و به صورت نظام‌مند از اواخر دوران امامت امام جواد علیه السلام آغاز شده است.

مقاله حاضر، دیدگاه بازتاب یافته در این کتاب را با رهیافت تاریخی - حدیثی و با روش تحلیلی - اجتهادی نقد و بررسی می‌کند. همچنین می‌کوشد، اثبات نماید که مطالبه خمس از سوی اهل بیت علیهم السلام و پرداخت آن به وسیله شیعیان از زمان امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام وجود داشته است و در برخی از دوران‌ها به دلایلی مانند مشکلات امنیتی و معاف شدن شیعیان از پرداخت

۱. دکتری مدرسی معارف اسلامی با گرایش مبانی نظری اسلام، دانشیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی

امام خمینی (soleimani@qabas.ne).

خمس، اشاره‌ای به آن در متون تاریخی نشده است.

کلیدواژگان: منابع مالی اهل بیت علیهم‌السلام، خمس، شیعیان، نقد تاریخی، کتاب مکتب در فرایند تکامل.

۱. مقدمه

خمس، زکات، موقوفات، هدایا، نذورات و صدقات از مهم‌ترین منابع مالی جامعه شیعه برای حفظ فرهنگ شیعه و تأمین مالی قشر ضعیف شیعیان در طول تاریخ به حساب می‌آیند. استفاده از زکات واجب مال و زکات فطره غیر بنی‌هاشمی بر اهل‌بیت علیهم‌السلام و بنی‌هاشم حرام است،^۱ اما پرداخت برخی از این اموال، واجب و برخی دیگر مستحب است. قرآن کریم در سوره انفال، پرداخت خمس را بر مسلمانان واجب کرده است و در این باره می‌فرماید:

بدانید هر گونه غنیمتی به دست آورید، خمس آن برای خدا و برای پیامبر و

برای ذی‌القربی و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه (از آنها) است.^۲

بر اساس این آیه شریفه بر مسلمانان واجب است، یک پنجم غنایمی را که به‌دست می‌آورند تحت عنوان خمس به خدا، رسول، ذوی‌القربی، ایتام، فقرا و در راه ماندگان بدهند، ولی درباره معنای آیه در بین علمای شیعه و سنی اختلافاتی وجود دارد. یکی از این اختلافات درباره متعلق خمس یا مصداق غنیمت است.

۱. هادی نجفی کاشف الغطا، هدی المتقین الی شریعة سید المرسلین، ص ۱۰۵؛ روح الله خمینی، تحریر

الوسیلة، ج ۱، ص ۳۴۰ - ۳۴۱، ۳۵۰.

۲. وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ

السَّبِيلِ (انفال/۴۱).

فقه‌های اهل سنت معتقدند متعلق خمس، فقط غنایم جنگی است؛ یعنی مقصود از غنیمت در آیه بالا، تنها غنایم جنگی است^۱ ولی فقه‌های شیعه معتقدند که کلمه «تَمَّا غَنِمْتُمْ» در این آیه مطلق است و دلیلی برای مقید کردن آن به غنایم جنگی وجود ندارد. بلکه شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد، همه غنایم را در بر می‌گیرد؛ یعنی مقصود از کلمه «تَمَّا غَنِمْتُمْ» همه درآمدهای مالی است که انسان در زندگی به دست می‌آورد. بنابراین، علاوه بر غنایم جنگی، شامل سایر غنایم مانند درآمدهای کشاورزی، استخراج معدن، یافتن گنج، کسب و تجارت می‌شود.^۲ بر اساس فقه شیعه، نصف خمس ملک ذوی القربی؛ یعنی اهل بیت علیهم‌السلام است و نصف دیگر، ملک فقیر و مسکین، در راه مانده از بنی هاشم و سادات است.^۳

۱. محمد بن جریر الطبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۲-۳؛ عبدالرحمن بن ابی بکر السیوطی، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۳، ص ۱۸۵؛ عبدالله بن عمر البیضاوی، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، ج ۳، ص ۶۰؛ اسماعیل بن عمر ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۴، ص ۵۲؛ سید محمود آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۵، ص ۲۰۰؛ محمد بن عمر فخر رازی، مفاتیح الغیب، ج ۱۵، ص ۴۸۴؛ سید بن قطب، فی ظلال القرآن، ج ۳، ص ۱۵۱۸-۱۵۱۹.

۲. علامه حلی، تذکره الفقهاء، ج ۵، ص ۴۲۰-۴۲۱؛ منسوب به امام رضا، علی بن موسی علیهما السلام، فقه الرضا، ص ۲۹۳-۲۹۴؛ محمد بن محمد المفید، المقنعة، ص ۲۷۶؛ محمد بن حسن الطوسی، تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۱۲؛ محمد بن حسن الطوسی، الخلاف، ج ۲، ص ۱۱۶-۱۱۷؛ قطب الدین الراوندی، فقه القرآن، ج ۱، ص ۲۴۲؛ محقق حلی، المعتمد فی شرح المختصر، ج ۲، ص ۶۲۳؛ علامه حلی، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ج ۸، ص ۵۳؛ زین الدین بن علی العاملی، مسالک الأفهام إلی تفتیح شرائع الإسلام، ج ۳، ص ۵۰؛ احمد بن محمد اردبیلی، زیادة البیان فی أحكام القرآن، ص ۲۰۸؛ شهید ثانی، مدارک الأحکام فی شرح عبادات شرائع الإسلام، ج ۵، ص ۳۷۹؛ آقا حسین طباطبایی بروجردی، رساله فی الخمس، ص ۳۳۴؛ سید روح الله موسوی خمینی، کتاب البیع، ج ۳، ص ۹۰-۹۲؛ خوبی، المستند فی شرح العروة الوثقی، الخمس، ص ۱۹۴؛ حسین نوری همدانی، کتاب الخمس، ص ۳-۴۴.

۳. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۸۳۵-۸۳۶.

شواهد فراوانی وجود دارند که بر اهتمام امامان شیعه علیهم‌السلام به مسئله خمس دلالت می‌کنند اما در کنار آنها، اخباری به چشم می‌خورد که بر عدم اهتمام اهل بیت علیهم‌السلام نسبت به مسئله خمس دلالت می‌کند. این امر موجب شده است که برخی گمان کنند، امامان شیعه در ابتدای تاریخ تشیع، خمس را از شیعیان دریافت نمی‌کردند و استفاده از آن را بر شیعیان حلال کرده بودند. یکی از این افراد، نویسنده کتاب مکتب در فرایند تکامل است.^۱ به دلیل آن که شبهه بالا به این معنا است که خمس با قرائتی که شیعه از متعلق آن دارد در مقطعی از تاریخ تشیع پیدا شده است، بررسی این مسئله مهم است. افزون بر این، از آنجا که کل خمس در عصر غیبت به نواب عام امام دوازدهم (عج)؛ یعنی فقهای جامع شرایط تحویل داده می‌شود و آنان خمس را در راه‌هایی مشخص، مانند تقویت بنیه جامعه شیعیان، رفع نیازمندی‌های سادات و شیعیان محروم، ترویج معارف اهل بیت علیهم‌السلام و گسترش حوزه‌های علمیه شیعه مصرف می‌کنند، اهمیت ویژه‌ای دارد. می‌توان گفت که پاسخ به مسئله وجوب پرداخت خمس به گسترش فرهنگ تشیع، تقویت دستگاه رهبری و استحکام بنیه جامعه شیعه باز می‌گردد و از عوامل مهم پایایی و پویایی فرهنگ و تمدن شیعه به شمار می‌آید. به طوری که به شیعیان و رهبرانشان، قدرت ایستادگی در برابر تهاجم دشمنان سیاسی، فرهنگی و فرقه‌ای را می‌دهد. با توجه به این نکات در این مقاله، ابتدا مدعای ایشان طرح می‌شود و سپس دلایل ایشان، نقد و بررسی می‌گردد. هدف از نگارش این مقاله، نقد و بررسی دیدگاه سید حسین مدرس در کتاب مکتب در فرایند تکامل درباره آغاز تکوین خمس بر غیر غنایم جنگی در تاریخ تشیع است که با روش تحلیل محتوا به آن می‌پردازیم.

شایان توجه است آثار ارزشمند متعددی درباره مسئله خمس در مذهب تشیع نوشته شده است که بسیاری از آنها فقهی و برخی دیگر، تاریخی هستند. کتاب‌هایی مانند رساله

۱. مدرس طباطبایی، مکتب در فرایند تکامل، ص ۴۴-۴۵.

فی الخمس نوشته مرحوم آیت الله حاج سید حسین طباطبایی بروجردی (د. ۱۳۸۰ق)،
المستند فی شرح العروة الوثقی، کتاب الخمس تقریرات درس آیت الله سید ابوالقاسم
خویی (د. ۱۴۱۳ق) و کتاب الخمس اثر آیت الله حاج شیخ حسین نوری همدانی،
نمونه‌هایی از این تحقیقات گران قدر است که اثر اخیر در میان آنها، بحثی تاریخی درباره
تاریخ خمس از زمان تشریح تا عصر امام دوازدهم علیه السلام نموده است، اما در میان این آثار،
دیدگاه نویسنده کتاب مکتب در فرآیند تکامل درباره خمس به شکل مبسوط نقد و بررسی
نشده است. از این رو، بررسی آن ضروری است.

۲. طرح دیدگاه نویسنده کتاب مکتب در فرآیند تکامل

نویسنده مکتب در فرآیند تکامل درباره خمس می‌نویسد:

امامان نخستین شیعه، تا روزگار امام باقر و امام صادق این مالیات را از
پیروان خود نمی‌ستاندند. اعتقاد عمومی بر آن بود که این مالیات را قائم آل
محمد پس از آن که دولت حق را تأسیس نماید دریافت خواهد فرمود. در واقع،
آن جای‌گزین مالیات رایج دولت جور خواهد بود نه علاوه بر آن. دریافت منظم
و سیستماتیک این مالیات به عنوان یک فریضه مالی همگانی ظاهراً از سال
۲۲۰ هجری آغاز شد که امام جواد علیه السلام به وکلای مالی خود در بلاد دستور
فرمود از چند رقم درآمد مشخص که در سندی مکتوب تشریح شده است مطالبه
خمس کنند. در آن سند امام تأکید فرمود که ایشان خمس را تنها در همان سال-
که از قضا سال آخر زندگانی آن حضرت بود- به دلیلی که مایل به ذکر آن
نبودند (امکاناً نیاز مالی برخی افراد خاندان پیامبر در آن سال‌ها) خواهد ستاند. از
اسناد تاریخی بر می‌آید که پس از این در سال‌های آخر امامت حضرت امام
هادی علیه السلام مسئله خمس به شکل منظم و مرتب با تشکیلات دقیق و متین به وسیله

وکلای امام در نواحی مختلف کشور اسلامی انجام می‌شده است.^۱

در ابتدا، پرداخت خمس به شکل جدیدی که از زمان امام هادی علیه السلام پی ریزی شده بود برای شیعیان تازگی داشت و پرسش‌ها و ابهامات زیادی را در جامعه شیعه به وجود آورد. ایشان در این باره می‌نویسد:

اما چون این مفهوم [خمس] به این شکل و به عنوان یک واجب مالی سالیانه از تمامی درآمد خالص، برای جامعه شیعه تازگی داشت سؤالات و استفسارات فراوانی در این دوره درباره آن به عمل می‌آمد. از جمله سه وکیل ارشد امام^۲: ابوعلی راشد (سر وکیل عراق)، علی بن مهزیار (سر وکیل اهواز)، و ابراهیم بن محمد همدانی (وکیل منحصر منطقه همدان)^۳ به آن حضرت گزارش دادند که آنان با سؤالاتی از جامعه شیعه در باب مفهوم حق مالی امام و دائره شمول آن روبرو شده‌اند که خود جواب درست آن را نمی‌دانستند.^۴

۳. بررسی دلایل نویسنده کتاب

دسته بندی مدعیات آقای مدرسی براساس عبارات بالا عبارت است از:

۱. امامان شیعه، تا زمان امام باقر و امام صادق علیه السلام از پیروان خود خمس نمی‌ستاندند. اعتقاد عمومی شیعه این بود که خمس مخصوص دوران حکومت امام دوازدهم (عج) است و آن امام، زمانی که حکومت برپا کند خمس را به عنوان جای‌گزین مالیات حکومت جور خواهد گرفت.

۱. مدرسی طباطبایی، مکتب در فرایند تکامل، ص ۴۴-۴۵.

۲. مقصود امام هادی علیه السلام است.

۳. به نظر می‌رسد، مقصود از «وکیل منحصر منطقه همدان» تنها وکیل منطقه همدان است.

۴. مدرسی طباطبایی، مکتب در فرایند تکامل، ص ۴۸.

۲. دستور دریافت منظم خمس به عنوان یک واجب شرعی از همه شیعیان، در سال ۲۲۰ هجری به وسیله امام جواد علیه السلام صادر گردید که دستوری مخصوص همان سال بوده است.

۳. در نهایت، دریافت خمس به عنوان یک واجب مالی سالیانه از تمامی درآمد خالص، به شکل منظم و مرتب در سال‌های آخر امامت حضرت امام هادی علیه السلام به وسیله نهاد وکالت و تحت نظارت دقیق آن امام نمایان شده است و برای جامعه شیعه تازگی داشت. شایان توجه است، عبارات آقای مدرسی درباره تاریخ خمس مضطرب است. ایشان معتقد است، قبل از این تاریخ، پرداخت خمس بر شیعیان واجب نبوده است. به عنوان نمونه در صفحه‌های ۴۴ و ۴۵ کتاب می‌نویسد:

دریافت منظم و سیستماتیک این مالیات به عنوان یک فریضه مالی همگانی ظاهراً از سال ۲۲۰ هجری آغاز شد.^۱

با این حال، عبارت «امامان نخستین شیعه، تا روزگار امام باقر و امام صادق این مالیات را از پیروان خود نمی‌ستاندند»^۲ نشان دهنده این است که ایشان مدعی است اهل بیت علیهم السلام، پیش از امام جواد علیه السلام در زمان امام باقر علیه السلام و صادق علیه السلام خمس دریافت می‌کردند، ولی پس از وقفه‌ای که ایجاد شد، امام جواد علیه السلام دوباره دستور دریافت خمس را صادر کردند.

به همین سبب، بخشی از مقاله حاضر، ناظر به نقد عدم وجوب شرعی خمس، پیش از سال ۲۲۰ هجری است و بخش دیگر مقاله، ناظر به اثبات ستاندن خمس، پیش از این تاریخ از سوی امامان شیعه است. اکنون، مهم‌ترین دلایل ایشان را نقد و بررسی می‌نماییم.

۱. همان، ص ۴۴-۴۵.

۲. همان.

۴. روایات حلیت خمس بر شیعیان

نخستین دلیل مدرسی برای نستاندن خمس در زمان امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایاتی است که از آن دو امام بزرگوار و امامان پیش از ایشان، درباره معافیت شیعیان از خمس وجود دارد. ایشان معتقد است، بر اساس این روایات، امامان شیعه تا زمان امام باقر و امام صادق علیهما السلام از پیروان خود خمس نمی‌ستانند. اعتقاد عمومی شیعه این بود که خمس مخصوص دوران حکومت امام دوازدهم (عج) است و آن امام، زمانی که حکومتش را برپا کند، خمس را به عنوان جای‌گزین مالیات حکومت جور خواهد گرفت.

ایشان به چند روایت در *اصول کافی* و *تهذیب الأحکام* شیخ طوسی (ره) آدرس می‌دهد و معتقد است، این روایات دلایل روشنی هستند بر این‌که شیعیان تا دوران آن دو امام خمس نمی‌دادند و تصرفشان در مال خمس بر درآمدهای خالص حلال بود.

البته مدرسی، متن روایات را در کتاب خود نمی‌آورد ولی خواننده را به *اصول کافی*، ج ۱، ص ۵۴۴ و ۴۰۸ و *تهذیب الأحکام*، ج ۴، ص ۱۳۸، ۱۴۳ و ۱۴۴ ارجاع می‌دهد. با مراجعه به این آدرس‌ها معلوم می‌شود، امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام، امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام استفاده از خمس را بر شیعیان حلال کرده‌اند.

محمد بن مسلم (د. ۱۵۰ق) از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که امیرالمؤمنین حضرت

علی علیه السلام در این باره فرمودند:
مردم به علت نپرداختن حق ما عذاب می‌شوند ولی استفاده از حق ما بر

شیعیان ما و پدرانشان حلال است.^۱

در یک روایت حکیم مؤذن ابن عیسی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت

در توضیح آیه خمس فرمودند:

خمس به بهره‌ای که روزانه به دست می‌آید تعلق می‌گیرد، ولی پدرم شیعیان

۱. طوسی، *تهذیب الاحکام*، ج ۴، ص ۱۳۸.

را از خمس دادن معاف کرده است.^۱

هم‌چنین، امام باقر علیه السلام کسانی را که در اثر تنگ‌دستی به خمس احتیاج داشتند، معاف می‌فرمود. ایشان به مردی که درخواست کرده بود به او اجازه دهد در خوردن و آشامیدن از مال خمس استفاده کند، فرمودند:

استفاده از حق من بر کسی که محتاج آن است، حلال است.^۲

هم‌چنین، در جایی دیگر فرمودند:

آنچه را که از مال ظالمان حلال کرده‌ایم، اگر به دست کسی افتاد، استفاده از

آن بر او حلال است و آنچه را که بر او حرام کرده‌ایم، استفاده از آن بر او حرام

است.^۳

در عصر امامت امام صادق علیه السلام شواهدی بر حلیت خمس بر شیعیان وجود دارد. مسمع بن عبدالملک، خمس مالی را که از غواصی به دست آورده بود به نزد امام صادق علیه السلام برد، ولی آن حضرت آن را نپذیرفتند و فرمودند:

استفاده از آن بر خودت حلال است و هرچه شیعیان ما از زمین به دست

می‌آورند تا قیام قائم ما بر آنها حلال است.^۴

هم‌چنین، در جایی دیگر از آن حضرت نقل شده است که فرمودند:

همه مردم زندگی شان را با زیادی مظلّمه^۵ ما می‌گذرانند ولی ما استفاده از

۱. کلینی، اصول الکافی، ج ۱، ص ۵۴۴.

۲. طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۱۴۳.

۳. همان، ص ۱۳۸.

۴. کلینی، اصول الکافی، ج ۱، ص ۱۳۸؛ تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۱۴۴؛ کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۲۶.

۵. مظلّمه به معنای حقی است که به ظلم از انسان گرفته می‌شود.

آن را بر شیعیان خودمان حلال کرده ایم.^۱

مردی به امام صادق علیه السلام عرض کرد، سودها و اموال و تجارت هایی به دست ما می رسد که برای ما روشن است شما در آن حق دارید، ولی ما در ادای آن کوتاهی و تقصیر داریم، حضرت به او فرمودند:

اگر ما در این روزگار به شما تکلیف کنیم، حقوق ما را ادا کنید به شما

انصاف نداده ایم.^۲

حارث بن مغیره نصری در این باره به امام صادق علیه السلام عرض کرد که غلات و اموال تجاری ای به دست ما می رسد که می دانیم شما در آن حقی دارید. حضرت به او فرمودند: ما آنها را برای شیعیان خویش حلال کرده ایم تا فرزندان پاکي از آنان متولد شود. هر کس پدرانم را دوست بدارد استفاده از حقوق ما برایش حلال است.^۳

در نقد استدلال بالا باید گفت که در نگاه نخست، ظاهر روایات نشان دهنده این است که در عصر امیرمؤمنان علیه السلام و امام باقر و صادق علیه السلام شیعیان به اجمال از پرداخت خمس معاف شده بودند. این روایات موهم دو معنا است که هر دو معنا قابل رد هستند. معنای اول این است که خمس در دوران امامان نخستین شیعه تا عصر امام جواد علیه السلام واجب نبوده است و معنای دوم این است که خمس واجب بوده است ولی وجوبش در حد اقتضا مانده است و به فعلیت نرسیده است. شیعیان موظف به پرداخت آن نبوده اند و استفاده شخصی از آن بر شیعیان مباح بوده است. وجه مشترک این دو برداشت این است که در دوره ای از تاریخ تشیع، شیعیان از پرداخت خمس معاف بوده اند، اما چنین برداشتی را از چند جهت می توان نقد کرد؛ زیرا

۱. طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۱۴۳.

۲. همان.

۳. همان.

نخست، آیه شریفه ۴۱ سوره انفال که پیش تر به آن اشاره شد، نشان می‌دهد که یکی از دلایل تشریح خمس، رفع نیازمندی‌های نیازمندان آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بوده است. حال اگر روایات حلیت خمس به معنای مباح بودن تصرف در مال خمس به وسیله شیعیان باشد، با فلسفه تشریح خمس منافات خواهد داشت؛ زیرا با معاف شدن شیعیان از پرداخت خمس به طور مطلق و بدون هیچ قید و شرطی، نیاز سادات نیازمند مرتفع نمی‌شد.

اگر روایات بالا، ناظر به شیعیان فقیر باشد، قابل توجیه است؛ زیرا می‌توان گفت که امام عَلَيْهِ السَّلَام مصلحت را در سیر نکردن شکم سادات با مال شیعیان فقیر دیده‌اند ولی معاف کردن همه شیعیان فقیر و دارا از خمس با فلسفه تشریح خمس سازگار نیست.

شواهد تاریخی نشان می‌دهند در مقطع امامت امام علی عَلَيْهِ السَّلَام، امام حسن عَلَيْهِ السَّلَام، امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام، امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام و امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام وضع مالی بنی‌هاشم مطلوب نبود؛ زیرا بنی امیه از زمان خلافت معاویه تا روی کار آمدن عمر بن عبدالعزیز در دوران امامت امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام سهم اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام و آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از خمس غنایم جنگی را نمی‌پرداختند و در عصر حکومت زبیریان، بنی‌هاشم در تنگنای اقتصادی شدیدی قرار داشتند. به شکلی که امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام از کمک‌های مالی مختار به بنی‌هاشم در آن دوران تقدیر کرد و فرمود:

عزب ما را فراهم نمود و با مشقت اموال را بین ما تقسیم کرد.^۲

از سوی دیگر، استفاده از زکات واجب اموال و زکات فطره غیر بنی‌هاشم بر بنی‌هاشم حرام است.^۳ روشن است در چنین شرایطی، مباح خواندن تصرف در حق اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام، سادات و فقرای بنی‌هاشم بدون هیچ قید و شرطی معقول نیست.

۱. ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۵، ص ۳۰۵.

۲. کشی، رجال الکشی - إختیار معرفة الرجال، ص ۱۲۵؛ تستری، قاموس الرجال، ج ۱۰، ص ۶.

۳. هادی نجفی کاشف الغطا، هدی المتقین إلی شریعة سید المرسلین، ص ۱۰۵؛ روح الله خمینی، تحریر الوسیلة، ج ۱، ص ۳۴۰ - ۳۴۱، ۳۵۰.

دوم. روایاتی وجود دارد که نشان می‌دهد خمس، پیش از دوران امامت امام جواد علیه السلام واجب بوده است و برخی از فقها برای اثبات وجوب خمس به آنها استناد می‌کردند.^۱ روایاتی مانند این که امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام به شخصی که مالی را به دست آورده بود ولی نمی‌دانست در چه مقداری از آن مال، حق تصرف دارد و در چه مقداری ندارد، اجازه داد خمس مال را بدهد و از بقیه آن استفاده کند.^۲

هم‌چنین، امام باقر علیه السلام به وجوب پرداخت خمس گنج حکم داد.^۳ امام صادق علیه السلام خمس مالی را که از ناصبی گرفته شده بود، مطالبه می‌کرد.^۴ روشن است، این روایات درباره لزوم پرداخت خمس غنایم جنگی نیست، اما اهل بیت علیهم السلام پرداخت خمس آنها را ضروری می‌دانستند و این روایات، مستند برخی از فقها برای صدور فتوای وجوب خمس شمرده می‌شود.^۵ سوم. اخبار فراوانی وجود دارند که نشان می‌دهند، پیش از امام جواد علیه السلام اهل بیت علیهم السلام از شیعیان خمس می‌گرفتند و خمس به عنوان یک تکلیف شرعی فعلی بر شیعیان واجب شده بود. به گزارش اسناد تاریخی در دوران حکومت امیرمؤمنان علیه السلام با این که فتوحات متوقف شده بود و غنایم جنگی در کار نبود، خمس گنج و مواد معدنی از شیعیان گرفته می‌شد. ابوعبیده در کتاب *الاموال* در این باره می‌نویسد:

علی علیه السلام مواد خاص معدنی را رکاز (گنج) نامید و حکم گنج را بر آن جاری کرد و از آن خمس گرفت.^۶ *انسانی و مطالعات فرهنگی*

۱. شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۱۲۲، ۱۳۸.

۲. همان، ص ۱۳۸.

۳. همان، ص ۱۲۲.

۴. همان.

۵. خوبی، المستند فی شرح العروة الوثقی، الخمس، ص ۳۴۳.

۶. قاسم بن سلام، کتاب الاموال، ص ۴۲۶.

هم چنین از کسی که معدنی را در برابر صد گوسفند خریده بود، خمس معدن را گرفت.^۱ آن حضرت در عراق، مردی را که هزار و پانصد درهم گنج پیدا کرده بود، امر کرد که اگر آن را در روستایی پیدا کرده است که خراجش را به روستای دیگر نمی‌پردازد^۲، خمس آن را بپردازد.^۳

در گزارش دیگری آمده است، مردی در حوالی محله‌های قدیمی کوفه، یک ظرف با چهار هزار درهم پیدا کرد و آن را نزد امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام آورد. آن حضرت به او فرمود:

آن را به پنج سهم تقسیم کن. سپس امام سهم خود را برداشت و چهار سهم آن را برگرداند. بعد فرمود: آیا در همسایگی شما فقیران هستند؟ گفت: آری. امام فرمود: این سهم را هم بگیر و میان آنان تقسیم کن.^۴

هم چنین، در گزارش دیگری در این باره آمده است:

مردی نزد امام علی علیه السلام آمد و گفت: من ثروت جمع می‌کنم، اما دقت نکردم که از راه حلال است یا از راه حرام. اکنون می‌خواهم توبه کنم، اما حلال و حرام آن را نمی‌دانم؛ زیرا به هم آمیخته است. امام فرمود: خمس مال را پرداخت کن؛ چراکه خداوند به یک پنجم اموال رضایت داده است و بقیه اموال برای شما حلال است.^۵

۱. همان.

۲. کنایه از روستای غیر آباد و مخروبه است.

۳. بیهقی، السنن الکبری، ج ۴، ص ۱۵۶.

۴. همان، ص ۱۵۷.

۵. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۲۵؛ تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۳۶۹-۳۶۸؛ البته علما این حکم را مختص جایی می‌دانند که فرد به مقدار مال حرام و مالک آن، علم نداشته باشد. در غیر این صورت، باید آن را به

چهارم. در مقابل روایات حلیت خمس، روایاتی وجود دارند که نشان می‌دهند تصرف در مال خمس، به طور مطلق بر شیعیان حلال نشده است. روایت نخست، روایت صحیح السنند^۱ پدر علی بن ابراهیم است که در این باره می‌فرماید:

ابوجعفر علیه السلام^۲ فرمود: برخی از آنها بر اموالی که حق آل محمد و یتیمان و فقرا و از راه ماندگان ایشان است حمله می‌کنند و آن را می‌گیرند. سپس می‌آیند و می‌گویند که تصرف در آن را بر من حلال کن. می‌بینی گمان می‌کنند من می‌گویم نه من حلال نمی‌کنم. در حالی که والله! خدا روز قیامت به سرعت از آن سؤال خواهد کرد.^۳

برخی از فقها معتقد هستند، بر حسب قرائن موجود در این روایت معلوم می‌شود، مقصود از اموال، خمس است^۴ در نتیجه معلوم می‌شود، تصرف در مال خمس جایز نیست. روایت دوم، روایت صحیح السنندی^۵ است که یحیی بن قاسم اُبی بصیر (د. ۱۵۰ق) می‌گوید از باقر علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

طور کامل به مالکش بیردازد و اگر مالک را بشناسد ولی نداند، مقدار مال حرامی را که از او گرفته است، چه اندازه است. باید با مالک مصالحه کند و اگر تنها از مقدار مال حرام آگاهی داشته باشد ولی مالک را نشناسد باید آن را صدقه دهد، اگر چه بیش از خمس مال باشد. این در حالی است که اختلاف دارند آن خمس است یا صدقه ولی مشهور معتقدند، صدقه است (کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۲۵، پاورقی).

۱. برنامه نرم افزار درایة النور.
۲. به نظر می‌رسد مقصود ابوجعفر اول، امام باقر علیه السلام است.
۳. فقال أبو جعفر علیه السلام: أحدهم يثب على أموال (حق) آل محمد و أيتامهم و مساكينهم و أبناء سبيلهم فيأخذ ثمَّ يجيء فيقول اجعلني في حل، أتراه ظن أني أقول لا افعل و الله ليسألنهم الله يوم القيامة عن ذلك سؤالاً حثيثاً (کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۴۸، باب الفیء و الأنفال و تفسیر الخمس؛ حرّ العاملی، وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۵۳۸، باب وجوب إيصال حصه الخمس اليه).
۴. خوبی، المستند فی شرح العروة الوثقی، الخمس، ص ۳۴۴؛ تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۱۴۰.
۵. برنامه نرم افزار درایة النور.

هرکس چیزی از خمس را بخرد، خداوند عذرش را نخواهد پذیرفت و چیزی

را خریده که بر او حلال نیست.^۱

در دیدگاه آیت الله خوئی (د. ۱۴۱۳ق) این روایات، مسئله حلیت خمس بر شیعیان را به طور کامل نفی می‌کند. بنابراین، معارض روایات حلیت خمس است.^۲ شاید کسی بگوید، بر اساس ابتدای روایت نخست، مقصود از ابو جعفر ثانی، امام جواد علیه السلام است و روایات حلیت خمس، ناظر بر عصر امام جواد علیه السلام نیست. در پاسخ باید گفت که به نظر می‌رسد در دیدگاه علما^۳ لسان روایت به گونه‌ای است که آبی از تخصیص است؛ یعنی نمی‌توان پذیرفت، واجبی که خداوند به سرعت آن را محاسبه می‌کند، سالیان طولانی وجوبش به فعلیت نرسیده بود و شیعیان در ترک آن معذور بودند.

پنج. روایات بالا را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد. برخی مانند روایت محمد بن مسلم، حکیم مؤذن ابن عیسی و حارث بن مغیره نصری بر حلیت خمس بر شیعیان بدون هیچ شرطی دلالت می‌کنند، اما از برخی استفاده می‌شود که استفاده از خمس در شرایط خاصی، مانند نیازمندی شیعیان و یا درباره مالی که از ظالمان به دست ایشان می‌رسیده است، حلال شده است، یا از پرداخت روزانه خمس معاف شده‌اند.

طبیعی است که روایات دسته دوم، قرینه‌ای برای مشروط بودن روایات گروه اول محسوب می‌شود و اطلاق آنها را قید می‌زند. در نتیجه از آنها استفاده نمی‌شود که تصرف در خمس در عصر امام علی علیه السلام یا امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام بر شیعیان حلال بوده است.

۱. من اشتری شیئا من الخمس لم يعذر الله، اشتری ما لا یحل له (شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۷،

ص ۱۳۳؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۳۶۹).

۲. خوئی، المستند فی شرح العروة الوثقی، الخمس، ص ۳۴۳-۳۴۴.

۳. همان.

شش. اکنون جای این پرسش است که با توجه به وجود دلایل روشن و جوب پرداخت خمس، چگونه می‌توان بین روایات حلیت خمس و وجوب فعلی خمس در سیره اهل بیت علیهم‌السلام پیش از دوران امام جواد علیه‌السلام و پس از آن و تحقق فعلی آن در سیره شیعیان جمع کرد؟

درباره جمع بین این روایات و اخبار تاریخی، دیدگاه‌های مختلفی ارائه شده است. برخی از علما معتقد هستند، روایات حلیت خمس، ناظر بر حلیت تصرف در سهم امام است نه سهم سادات؛ یعنی در روایات حلیت اهل بیت علیهم‌السلام اجازه داده می‌شود شیعیان نصف خمس را خودشان استفاده کنند، ولی روایات وجوب خمس و نافی حلیت خمس، ناظر بر سهم سادات است؛ یعنی شیعیان موظف می‌شوند نصف دیگر خمس را به سادات بپردازند.^۱ برخی دیگر از فقها، این نوع جمع بین روایات حلیت و وجوب خمس را نمی‌پذیرند و در این باره می‌فرمایند:

در برخی از روایات حلیت خمس تصریح شده است که علت بخشیده شدن خمس به شیعیان این بود که فرزندانشان با نطفه‌ای که از مال حلال به وجود آمده است به دنیا بیایند و مقتضای چنین علتی این است که سهم سادات بخشوده شود؛ زیرا تصرف سهم سادات موجب تکوین نطفه‌هایی با مال حرام می‌شد و مانع طهارت مولدشان می‌گردید و از آن جا که علت حلیت خمس پاکی ولادت بوده است باید برای پاک بودن مولد همه مال خمس به شیعیان بخشوده شود.^۲

۱. خوبی، المستند فی شرح العروة الوثقی، الخمس، ص ۳۴۴-۳۴۵.

۲. همان.

در برخی از روایات آمده است که امام به برخی از شیعیان اجازه می‌دهد از سهم امام استفاده کنند، ولی این مخصوص محتاجان و بینوایان است نه همه شیعیان. در حالی که محل بحث حلیت خمس برای همه شیعیان است.^۱

در دیدگاه آیت الله خویی وجه قوی‌تر برای جمع بین روایات حلیت خمس و روایات معارض این است که بگوییم، روایات حلیت خمس، ناظر بر اموالی است که از کسانی که اعتقادی به خمس ندارند یا اعتقاد دارند ولی خمسش را نداده‌اند، به شیعیان منتقل می‌شود. پرداخت خمس آن واجب نیست، اما غنیمت، فایده و سودی را که مکلف به دست آورده است و ادای خمس آن بر او واجب شده است دلیلی بر سقوط آن وجود ندارد و حلال شمرده نشده است. بنابراین، نصوص حلیت خمس ناظر بر اموال دسته اول و نصوص معارض حلیت خمس ناظر بر اموال دسته دوم است.^۲

شایان توجه است، اخباری که بر اساس آنها، شیعیان به اهل بیت علیهم‌السلام مراجعه کرده‌اند و درباره اموالی که از دیگران به دست ایشان می‌رسید، سؤال کرده‌اند و آن بزرگواران در پاسخ، استفاده از تمام آن اموال را بر آنها حلال نموده‌اند و آنان را از پرداخت خمس آن معاف کرده‌اند^۳ مؤید این وجه جمع است.

۱. همان، ص ۳۴۵.

۲. همان.

۳. نمونه‌ای از روایات مورد نظر آیت الله خویی، دو روایت ذیل است:

۱. عنه عن أبي جعفر عن محمد بن سنان عن يونس بن يعقوب قال: كنت عند أبي عبد الله عليه السلام فدخل عليه رجل من القمطين فقال: جعلت فداك تقع في أيدينا الأموال والأرباح و تجارات نعلم ان حرك فيها ثابت و انا عن ذلك مقصرون، فقال أبو عبد الله عليه السلام ما أنصفناكم إن كلفناكم ذلك اليوم (شيخ طوسی، تهذیب الأحكام، ج ۴، ص ۱۳۸؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۵۴۵)؛ ۲. ما رواه الشيخ بإسناده عن أبي سلمة سالم بن مكرم و هو أبو خديجة عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال رجل و أنا حاضر: حلل لي الفروج، ففرع أبو عبد الله عليه السلام، فقال له رجل: ليس يسألك أن يعترض الطريق، إنما

۵. روایت علی بن مهزیار از امام جواد علیه السلام

دومین ادعای آقای مدرسی درباره عدم وجوب خمس در ابتدای تاریخ تشیع این است که دستور دریافت منظم خمس به عنوان یک واجب شرعی از همه شیعیان، در سال ۲۲۰ هجری از سوی امام جواد علیه السلام صادر گردیده است که دستوری مخصوص همان سال بوده است.^۱

ما برای بررسی درستی این مدعا، ابتدا بخش‌هایی از این روایت را بررسی می‌کنیم. امام جواد علیه السلام در این نامه به وکیل خویش، علی بن مهزیار اهوازی می‌نویسد:

آنچه امسال (سال ۲۲۰ ق) واجب کردم تنها به منظور برخی مسائل است که خوش ندارم همه آنها افشا شود. اما برخی از آنها را به زودی برایت می‌گویم...

[از جمله این که] دانستم شیعیان ما ... یا برخی از آنان در آنچه بر آنان واجب شده، کوتاهی می‌ورزند، چون دوست داشتم آنان را از گناه پاک و تزکیه کنم، ... خمسی که امسال بر آنان واجب کردم تنها در طلا و نقره ای است که یک سال بر آنها گذشته است. این را در کالاهای، ظرف‌ها، چهارپایان، بردگان و سودی که در تجارت و مزرعه برده می‌شود واجب نکردم، مگر در مزرعه ای که موضوع آن را به زودی برایت خواهم گفت، این تخفیفی است از سوی من برای شیعیانم و منتی است که بر آنان گذاردم، به سبب پول‌هایی که سلطان از

یسألک خادما يشتريها أو امرأة يتزوجها أو ميراثا يصيبه أو تجارة أو شيئاً أعطيه، فقال: هذا لشيئتنا حلال الشاهد منهم و الغائب، و المیت منهم و الحی و ما یولد منهم إلى یوم القیامة فهو لهم حلال، أما و الله لا یحل إلا لمن أحللنا له. إلخ (شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۱۳۷؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۵۴۴) و هی صریحة فی المدعی اعنی التحلیل فی المال المنتقل الیه بشراء و نحوه (خویی، المستند فی شرح العروة الوثقی، الخمس، ص ۳۴۶-۳۴۷).

۱. مدرسی طباطبایی، مکتب در فرایند تکامل، ص ۴۴-۴۵.

چنگ آنان در آورده است و مصائبی که به خودشان می‌رسد.^۱

در دیدگاه آقای مدرسی نامه بالا، موهم این معنا است که پیش از صدور این بخش نامه، خمس از شیعیان گرفته نمی‌شد، اما در سال ۲۲۰ هجری قمری به سبب برخی مشکلاتی که برای شیعیان پیش آمد، بر برخی از غنائیم، فواید و درآمدها که شأنشان این بود که متعلق خمس بر آنها قرار بگیرد، متعلق خمس قرار گرفت. با توجه به متن روایت، درباره برداشت آقای مدرسی از روایت نسبت به مسئله خمس، ملاحظات زیر وجود دارد:

۱. مفهوم صدور بخش نامه برای اخذ خمس از سوی امام جواد علیه السلام این است که گرفتن خمس، پیش از صدور بخش نامه امام جواد علیه السلام به صورت نظام‌مند مرسوم نبوده است، ولی این به این معنا نیست که پرداخت خمس از زمان امام علی علیه السلام تا زمان امام جواد علیه السلام بر شیعیان واجب نبوده است و شیعیان از وجوبش اطلاع نداشتند و آن را پرداخت نمی‌کردند و برای نخستین بار در زمان امام جواد علیه السلام پرداخت خمس به عنوان یک واجب شرعی مطرح شده است.

چنان که پیش از این گذشت، شواهد فراوانی نشان می‌دهند در زمان امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام پرداخت خمس واجب بوده است و از زمان امام علی علیه السلام خمس از شیعیان گرفته می‌شد و شیعیان، خود را موظف به پرداخت آن می‌دانستند. به نظر می‌رسد، جمع بین این روایت و روایات و اخبار معارض آن نشان می‌دهد، مدتی پیش از صدور این نامه،

۱. أَوْجِبْتُ فِي سَنَتِي هَذِهِ وَ هَذِهِ سَنَةِ عَشْرِينَ وَ مَائَتَيْنِ فَقَطْ لِمَعْنَى مِنَ الْمَعَانِي أَكْرَهُ تَفْسِيرَ الْمَعْنَى كُلِّهِ خَوْفًا مِنَ الْإِنْتِشَارِ وَ سَأَفْسُرُ لَكَ بَعْضَهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى إِنَّ مَوَالِيَّ أَسْأَلُ اللَّهَ صَلَاحَهُمْ أَوْ بَعْضَهُمْ قَصْرُوا فِيمَا يَجِبُ عَلَيْهِمْ فَعَلِمْتُ ذَلِكَ فَأَحْبَبْتُ أَنْ أَطَهِّرَهُمْ وَ أَرْزُقِيَهُمْ بِمَا فَعَلْتُ فِي عَامِي هَذَا مِنْ أَمْرِ الْخُمْسِ... إِنَّمَا أَوْجِبْتُ عَلَيْهِمُ الْخُمْسَ فِي سَنَتِي هَذِهِ فِي الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ الَّتِي قَدْ حَالَ عَلَيْهَا الْحَوْلُ وَ لَمْ أُوجِبْ ذَلِكَ عَلَيْهِمْ فِي مَتَاعٍ وَ لَا آيَةٍ وَ لَا دَوَابٍّ وَ لَا خَدَمٍ وَ لَا رِبْحٍ رِبْحَهُ فِي تِجَارَةٍ وَ لَا ضَيْعَةٍ إِلَّا ضَيْعَةً سَأَفْسُرُ لَكَ أَمْرَهَا تَخْفِيفًا مِنِّي عَنْ مَوَالِيَّ وَ مَنَّا مِنِّي عَلَيْهِمْ لِمَا يَغْتَالُ السُّلْطَانُ مِنْ أَمْوَالِهِمْ وَ لِمَا يُتَوَبُّهُمْ فِي ذَاتِهِمْ (طوسی، تهذیب الأحكام، ج ۴، ص ۱۴۱-۱۴۲).

شیعیان خمس نمی‌دادند ولی در سال ۲۲۰ هجری دستور داده شد، خمس برخی از کالاها را بپردازند.

۲. نقد دیگری که بر برداشت آقای مدرسی از این نامه وارد می‌شود، این است که ایشان حدس می‌زند، نیاز مالی برخی از افراد خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله در آن سال‌ها سبب شده است که امام علیه السلام این دستور را صادر کند. در حالی که امام علیه السلام در نامه یادشده، کوتاهی برخی از شیعیان در پرداخت خمس و عدم طهارت مولدشان را دلیل واجب کردن خمس اعلام می‌کند.^۱

اکنون جای این پرسش است که چرا پیش از این تاریخ، حتی در مدتی محدود، خمس گرفته نمی‌شد؟ در پاسخ باید گفت که گاه علت نگرفتن خمس، وضع نابسامان مالی و فقر شیعیان بوده است. گاهی سلاطین آن قدر از آنها مالیات می‌گرفتند که برای پرداخت خمس به زحمت و سختی می‌افتادند. چنان که در نامه بالا، امام جواد علیه السلام درباره فلسفه منحصر کردن خمس به در آمد طلا و نقره به این دو عامل تصریح می‌نماید.^۲

۳. شواهد تاریخی فراوانی وجود دارند که تأکید امامان پیش از امام جواد و امام هادی علیه السلام بر وجوب خمس غیر غنایم و پرداخت شیعیان را در دوران آنان نشان می‌دهند. پیش‌تر در این مورد اسنادی ارائه گردید و در این قسمت، اسناد دیگری ارائه می‌گردد. پیش‌تر بیان شد که بنی امیه از زمان معاویه تا زمان عمر بن عبدالعزیز (د. ۱۰۱ق) خمس غنایم را به اهل بیت علیهم السلام و آل محمد صلی الله علیه و آله نمی‌پرداختند^۳ و اگر کسی از شیعیان به پرداخت آن به سه امام حسن، حسین و سجاد علیهم السلام اهتمام داشت در تاریخ ثبت نشده است.

۱. طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۱۴۱-۱۴۲.

۲. همان.

۳. عن یحیی بن شبل قال: جلست مع علی بن عبد الله بن عباس و أبی جعفر محمد بن علی فجاءهما آت بالاع بعمر بن عبد العزیز. فنهیاه و قالوا: ما قسم علينا خمس منذ زمن معاویة إلى اليوم. و إن عمر بن عبد العزیز قسمه علی بنی عبد المطلب (ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۵، ص ۳۰۵).

در زمان امام باقر علیه السلام وضع تغییر کرد. به گونه‌ای که امام علیه السلام در تبیین مسائل مالی شیعیان، بر اهمیت پرداخت خمس به عنوان یک عمل فقهی برای تزکیه مال و نفس شیعیان تأکید می‌نمودند و آنان را به پرداخت آن ترغیب می‌کردند.

از این رو، شیعیان تلاش می‌کردند با پرسش و پی‌گیری از موارد خمس به تکالیف شرعی خویش عمل کنند. به عنوان نمونه، محمد بن مسلم (د. ۱۵۰ق) از امام باقر علیه السلام درباره خمس نمک زار، گوگرد، نفت^۱، معدن طلا، نقره، آهن، مس و برنج^۲ سؤال کرد و زرارۀ بن أعین (د. ۱۵۰ق) درباره خمس معادن پرسید^۳ و حضرت فرمودند:

خمس دارد.

هم‌چنین، حکم بن علبای اسدی، خمس درآمدهایی را که از طریق کارهای دولتی، کشاورزی و غیره به دست آورده بود به امام باقر علیه السلام تحویل داد و آن حضرت با صراحت فرمودند که همه این‌ها برای ما است و خمس اموال او را پذیرفت.^۴

این اخبار نشان می‌دهند، امام باقر علیه السلام از غنایم و فواید غیر غنیمت جنگی مانند گنج، معدن و سود کسب و کار خمس می‌گرفتند. هم‌چنین، امام صادق علیه السلام مانند پدر خویش، شیعیان را به پرداخت خمس سفارش می‌کردند و در این باره می‌فرمودند:

هر کس غنیمت و کسبی دارد باید خمس آن را بپردازد، حتی خیاطی که

لباسی را به پنج دانق^۵ بدوزد باید یک دانق خمس بپردازد.^۶

۱. شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۱۲۲.
۲. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۴۴.
۳. طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۱۲۲.
۴. همان، ص ۱۳۷.
۵. دانق واحد شمارش پول است و هر دانق، یک ششم درهم به شمار می‌آید (طریحی، مجمع البحرین، ج ۵، ص ۱۶۳).
۶. طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۱۲۲-۱۲۳.

ایشان عنبر و مرواریدی که با غواصی از دریا بیرون کشیده می‌شود و معادن و گنج را جزء مواردی معرفی نمودند که خمس به آنها تعلق می‌گیرد.^۱ هم‌چنین، عمار بن موسی سبابی از آن حضرت درباره حکم کارکردن برای سلطان جائر را پرسید و حضرت در پاسخ فرمودند:

جایز نیست مگر آن که هیچ چیزی برای خوردن و آشامیدن نداشته باشد و هیچ چاره‌ای نداشته باشد. در آن صورت اگر برای او کار کرد و چیزی به دست آورد، باید خمس آن مال را به اهل بیت علیهم‌السلام بپردازد.^۲

در این اخبار به گرفتن خمس از اموال بالا تصریح نشده است، اما از آن جا که عصر امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام نزدیک به یکدیگر هستند، پرسش‌های شیعیان درباره اقسام و موارد خمس نشان دهنده این است که دریافت و پرداخت خمس در زمان آن حضرت، مانند زمان پدر بزرگوارش فعلیت یافته بود.

بنابراین، شیعیان درباره خمس دار بودن اجناس مختلف از امام علیه‌السلام پرسش می‌کردند و این پرسش‌ها، فقط برای دانش‌افزایی نبوده است. بر این اساس، از عباراتی چون «عَلَيْهِ الْخُمْسُ» و «فَلْيَبْعَثْ بِخُمْسِهِ إِلَى أَهْلِ الْبَيْتِ» مشخص می‌شود، امام از عنبر، مروارید غواصی و دست‌مزدی که در برابر کار برای سلطان جائر گرفته می‌شد، خمس می‌گرفته است.

با توجه به دلایل بالا معلوم می‌شود که خمس پیش از دوران امام جواد علیه‌السلام واجب شده بود و شیعیان از دوران امام علی علیه‌السلام در برخی از درآمدها خمس می‌دادند. با این حال، اگر خمس پیش از امام جواد علیه‌السلام بر شیعیان مباح و ساقط شده بود و به قرینه نصوص، حلیت خمس تنها به عنوان یک حکم اقتضایی صادر شده بود و پیش از مرحله فعلیت مطرح بود،

۱. همان، ص ۱۲۱-۱۲۲.

۲. صدوق، المقنع، ص ۵۳۹.

چرا اخبار مستفیض نشان دهنده این است که اهل بیت علیهم السلام پیش از این تاریخ، خمس را واجب اعلام کرده بودند و از شیعیان خمس می گرفتند؟ بنابراین نمی توان پذیرفت که نصوص دال بر حلیت خمس یا روایت علی بن مهزیار از امام جواد علیه السلام به معنای سقوط تکلیف خمس از شیعیان تا پیش از امام جواد علیه السلام است.

۶. اخبار دال بر دریافت منظم خمس به وسیله وکلای امام هادی علیه السلام

دلیل سوم آقای مدرسی بر مدعای خویش، اخباری است که در جلد ششم و سائل الشیعه، درباره دریافت خمس به صورت منظم از درآمد سالیانه شیعیان از طریق وکلای امام هادی علیه السلام وجود دارد.^۱ حال آن که وجود شواهدی دال بر گرفتن خمس به وسیله وکلای امام هادی علیه السلام، بر عدم وجوب دریافت خمس، پیش از دوران امام هادی علیه السلام دلالت نمی کند.

چنان که گذشت، اسناد تاریخی فراوانی وجود دارد که از دوران امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام وجوب خمس مطرح بود و شیعیان خمس می دادند. هم چنین، در عصر امامت امام کاظم علیه السلام که عصر اوج قدرت خلفای عباسی و فشار هارون بر امام علیه السلام بود، این سنت استمرار داشت.

به طوری که علی بن یقطین (د. ۱۸۲ق)، یکی از یاران امام کاظم علیه السلام در دربار هارون الرشید (د. ۱۹۳ق)، با این که اموالش از غنایم جنگی نبود سالانه خمس آن را برای امام کاظم علیه السلام می فرستاد.^۲ هم چنین، جعفر بن محمد بن أشعث، یکی دیگر از شیعیان در دربار هارون، هر مالی که به دستش می رسید، خمس آن را به امام کاظم علیه السلام می رساند.^۳

۱. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۳۴۸-۳۵۰.

۲. شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۲۲۵.

۳. محمد بن علی بن بابویه، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۷۰-۷۱.

۷. نتیجه‌گیری

بر خلاف برداشت نویسنده مکتب در فرایند تکامل، خمس غیر غنایم جنگی، پیش از دوران امامت امام جواد و امام هادی علیهما السلام از دوران امامت امام علی علیه السلام به عنوان یک واجب شرعی در جامعه شیعه مطرح بود و خمس سود کسب، گنج و سایر بهره‌ها دریافت می‌گردید.

زمان آغاز گرفتن خمس از مسلمانان، اواخر دوران امامت امام جواد علیه السلام نبود. بلکه در برخی از مقاطع عصر حضور، امامان شیعه به دلایل خاصی، شیعیان را از پرداخت خمس معاف می‌کردند. یکی از این دلایل، فشار سنگین اقتصادی به دلیل مالیات‌های ظالمانه سلاطین جور بر شیعیان بود که سبب ناتوانی شیعیان در پرداخت خمس می‌شد.

دلیل دوم، عدم فرهنگ سازی و وجوب خمس بر غیر غنایم جنگی در میان جامعه شیعه بود که اگر وجوب آن اعلام می‌شد، تخلف عده زیادی را به دنبال داشت و منجر به استفاده از لقمه حرام و زوال طهارت مولد فرزندان شیعه می‌گردید.

درباره گرفتن خمس به عنوان یک واجب شرعی از غیر غنایم جنگی در زمان امام علی علیه السلام، امام باقر علیه السلام، امام صادق علیه السلام، امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام اسناد متعددی وجود دارد، اما درباره وضع دریافت خمس در عصر امامت امام حسن علیه السلام، امام حسین علیه السلام و امام سجاد علیه السلام اطلاعات چندانی در دست نیست.

این امر می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد، مانند این که به دلیل اختناق شدید و کمبود شیعیان، اخبار خمس در دوران آنان ثبت و ضبط نشده است، یا در آن دوران، شیعیان استطاعت لازم برای پرداخت خمس را نداشتند و یا مسئله پرداخت خمس به فراموشی سپرده شده بود.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تصحیح مهدی لاجوردی، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ ق.
۳. ابن سعد، محمد الهاشمی البصری، الطبقات الكبرى، تحقیق محمد عبد القادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۰ ق/ ۱۹۹۰ م.
۴. ابن سلام، ابو عبیده قاسم، کتاب الاموال، تحقیق محمد خلیل هراس، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۸ ق.
۵. ابن شهر آشوب مازندرانی، المناقب، قم: علامه، ۱۳۷۹ ق.
۶. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، تحقیق محمد حسین شمس الدین، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۹ ق.
۷. اردبیلی، احمد بن محمد، زبدة البیان فی أحكام القرآن، تصحیح محمد باقر بهبودی، تهران: المکتبة الجعفریة لإحیاء الآثار الجعفریة، بی تا.
۸. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق علی عبدالباری عطیة، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ ق.
۹. بروجردی، آقا حسین طباطبائی، رساله فی الخمس، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، ۱۴۲۳ ق.
۱۰. بیضاوی، عبد الله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، تحقیق محمد عبد الرحمن المرعشلی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ ق.
۱۱. بیهقی، أحمد بن حسین، السنن الكبرى، باعداد یوسف عبدالرحمن المرعشلی، بیروت: دار الفکر، بی تا.
۱۲. تستری، محمد تقی، قاموس الرجال، الطبعة الثانية، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۸ ق.
۱۳. جباری، محمدرضا، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۳.
۱۴. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق.
۱۵. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تذکرة الفقهاء، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۴ ق.
۱۶. _____، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد: مجمع البحوث الإسلامیة، ۱۴۱۲ ق.
۱۷. حلّی، جعفر بن حسن، المعتمر، قم: مدرسة الامام امیر المؤمنین، ۱۴۱۹ ق.

۱۸. خمینی، سید روح الله موسوی، کتاب البیع، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس سره)، ۱۴۲۱ق.
۱۹. خویی، سید ابو القاسم، *المستند فی شرح العروة الوثقی (الخمس)*، تقریرات مرتضی بروجردی، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی، بی تا.
۲۰. راوندی، قطب الدین، *فقه القرآن*، تصحیح سید احمد حسینی، چاپ دوم، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۵ ق.
۲۱. سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی، *فی ظلال القرآن*، چاپ هفدهم، بیروت - قاهره: دارالشروق، ۱۴۱۲ق.
۲۲. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۲۳. صابری، حسین، *تاریخ فرق اسلامی*، تهران: سمت، ۱۳۸۳.
۲۴. صدوق، من لا یحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، بی تا.
۲۵. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی التفسیر القرآن*، تحقیق محمدجواد بلاغی، چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۲۶. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار المعرفه، ۱۴۱۲ ق.
۲۷. طریحی، فخر الدین، *مجمع البحرین*، چاپ دوم، تهران: ، مرتضوی، ۱۳۷۵.
۲۸. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، *الخلافا*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۷ ق.
۲۹. _____، *تهذیب الأحکام*، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۳۰. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، *مسالک الأفهام إلی تنقیح شرائع الإسلام*، تصحیح گروه پژوهش مؤسسه معارف اسلامی، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه، ۱۴۱۳ ق.
۳۱. عاملی، محمد بن علی موسوی، *مدارک الأحکام فی شرح عبادات شرائع الإسلام*، تصحیح گروه پژوهش مؤسسه آل البيت عليهم السلام، بیروت: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۱ ق.
۳۲. فخر رازی، محمد بن عمر، *مفاتیح الغیب*، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۳۳. فرمانیان، مهدی، *آشنایی با فرق تشیع*، چاپ دوم، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹.
۳۴. کشی، محمد بن عمر، *رجال الکشی - إختیار معرفة الرجال*، تصحیح محمد بن حسن طوسی و حسن مصطفوی، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ ق.
۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول الکافی*، چاپ دوم، تهران: اسلامیه، ۱۳۶۲.

۳۶. مدرسی طباطبایی، سید حسین، مکتب در فرایند تکامل، ترجمه هاشم ایزدپناه، چاپ سوم، تهران: کویر، ۱۳۸۶.

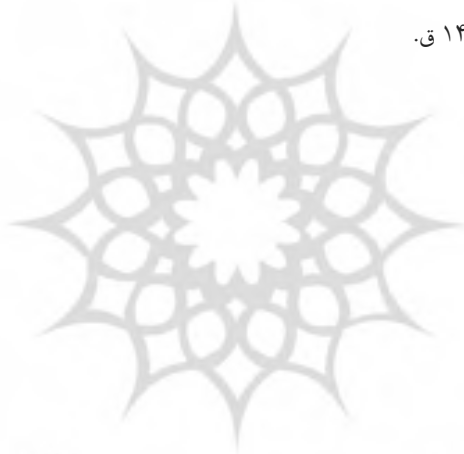
۳۷. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، تحقق مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، قم: لإحياء التراث، ۱۴۱۳ق.

۳۸. _____، المقنعة، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.

۳۹. منسوب به علی بن موسی (امام هشتم علیه السلام)، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام، تصحیح مؤسسه آل البيت علیهم السلام، مشهد: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۶ق.

۴۰. نوری همدانی، حسین، کتاب الخمس، قم: مؤسسه مهدی الموعود (عج)، ۱۴۱۸ق.

۴۱. نجفی (کاشف الغطاء)، هادی بن عباس بن علی بن جعفر، هدی المتقین إلى شریعة سید المرسلین، نجف: مؤسسه کاشف الغطاء، ۱۴۲۳ق.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

